

بازگشت مرد اسکلتی

جوزف پروچاک

محمد مهدی خدا قلی پور



سرشناسه: بازگشت مرد اسکلتی

عنوان و نام پدیدآور: جوزف بروچاک

مترجم: محمد مهدی خدا قلی پور

مشخصات نشر: تهران: ریواس، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ صفحه رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۲۳-۱۱۳-۸



بازگشت مرد اسکلتی

نویسنده: جوزف بروچاک

مترجم: محمد مهدی خدا قلی پور

ویراستار: فرشته سعدی

صفحه آرایی: محسن ایرانمنش

انتشارات: ریواس

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۲۳-۱۱۳-۸

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

آدرس: تهران - میدان انقلاب - بازار بزرگ کتاب - کتابسرای وطن - نشر ریواس

تلفن: ۶۶۹۱۵۹۱۸ - ۶۶۴۹۷۷۱۱ - ۰۹۳۵۵۷۰۳۶۴۲

www.rivasbooks.ir

فهرست

۷	دییاجه
۹	رسیدن
۱۵	مسیر
۱۹	خاطرهای بد
۲۷	به اه - علا - عموی من
۳۱	کنار ریاجه
۳۷	راهروهای تا یک
۴۷	در طول راهرو
۵۳	چشم انداز
۵۹	جمجمه ها
۶۳	قدم زدن در زمین بازی
۶۹	برف
۷۳	نقاب ها
۷۹	تاریکی
۸۳	کمک
۸۹	درون غار
۹۹	پرتگاه
۱۰۳	جاده
۱۰۷	بیل مکانیکی
۱۱۱	موش و گربه
۱۱۷	کنار آتش
۱۲۰	درباره نویسنده



دیباچه

از داستان های چند قسمی بیرارم. می دانم بعضی از بچه ها عاشقشان هستند ولی من نه. من دوست دارم زه ای که یک داستان به پایان می رسد واقعاً تمام شده باشد. یا آنطور که معلم خانم می گوید، پایان. ولی این روزها، هر بار که برای دیدن یک فیلم می روید، فکر دارن دنیا قسمت پیش را نمایش می دهند و یا دنباله دنباله قسمت پیش را و یا حتی مانند این قسمت های جدید جنگ ستارگان، قسمت های پیش از قسمت های پیش را. همه چیزی که مدام بهتر می شود جلوه های ویژه است. با این حال از شما می پرسم: به از اینکه منفجر شدن یک سیاره را دیدید، دیگر چه کار می توانید بکنید که از این الوتر باشد؟ می خواهم به آن نویسنده ها و کارگردانان بگویم، بابا بی خیال بشوید! یک کار جدید بکنید.

البته فیلم های ترسناک از همه بدترند. هالوین قسمت ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، سیزدهم قسمت بی نهایتم. انگار این بچه های خنگ و احساساتی هر کاری که برای خلاص شدن از شر این هیولاهای وحشی مانند فردی یا جیسون بکنند فایده ای ندارد و او دوباره بازمی گردد. می توانید به او شلیک کنید، با چاقو او را بزنید، سرش را قطع کنید، دفنش کنید، بسوزانیدش، او را توی مخلوط کن بیندازید، از او کلوچه درست کنید و یا او را توی میکروویو خانه تان بیندازید و بپزید. هیچ فرقی نمی کند. او دوباره چاقو به دست و تشنه به خون بازمی گردد تا

باز هم با سطل، خون لخته شده توی صورت هنریشه نقش اول فیلم که از وحشت فلج شده باشد. حتما می‌توانید جیسون را ببرید و به دست خدای مردگان بسپارید و با این حال باز هم سر و کله اش پیدا می‌شود - تا با فردی، در فضا، یا هر جای عجیب و غریب دیگر بجنگد. باز هم می‌گوییم، آقا جان، بی خیال بشوید.

شاید فکر کنید منظورم این است که داستان‌های دنباله دار خسته کننده و بیرواقع‌گرایانه هستند. خوب، همین طور است. کم و بیش نظر من در مورد آنها همین است. ولی باید اعتراف کنم که حالا دیگر موضوع برای من به این سادگی نیست. چیزی که در حال حاضر مرا در مورد داستان‌های دنباله دار آزار می‌دهد بیرواقع‌گرایانه بودنشان نیست. بلکه ترس از این است که شاید واقعیت داشته باشد. شاید کمتر مضی هیولاها واقعن به همین سختی باشد. شاید من هم مانند جیمی ام. کارتر، بیر بیچاره، زندگی ام را شادمان و سرخوش سپری کنم. تا اینکه یک روز، ناگهان او را ببینم که منتظرم است.